

# Enculturation Social Support in The Quran

( Received: 2025-04-08 Acceptance: 2025-08-21 )

Seyyed Ali Naqi Ayazi 

## Abstract

One of the reasons that leads us humans to social relationships is to achieve social support in its various forms, although this intention may not be considered consciously at the beginning of any relationship. The ability to consider social support as a result of social relations. Meanwhile, it is possible to benefit from the culture building mechanism in order to spread the culture of social support among the members of a society. With this description, this article tries to investigate the beliefs, values and norms of social support and the ways to realize it, based on culture building and derived from revelation teachings. The study method is qualitative and the research has been done using the inductive content analysis technique. In this way, these questions have been answered. What are the characteristics of culturalization of social support based on Quranic teachings? What requirements does it follow in this direction? What are human interactions or social processes that stabilize or accelerate the formation of social support?

**Keywords:** Culturalization, Social Support, Teachings of the Qur'an, Supportive Action, Teachings of the Qur'an, Functional System

مطالعات قرآنی و اجتماعی  
مجله علمی پژوهشی

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

Assistant Professor at the Quran and Social Studies Group In The Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. a.ayazi@isca.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## فرهنگ‌سازی حمایت اجتماعی در قرآن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۳۰)

سید علی نقی ایازی  ID

### چکیده

یکی از دلایلی که ما انسان‌ها را به رابطه اجتماعی رهنمون می‌سازد، دستیابی به حمایت اجتماعی در اشکال مختلف آن است؛ اگر چه ممکن است در بدو هر رابطه‌ای، الزاماً این نیت و قصد به صورت آگاهانه لحاظ نشود. بر این مبنا، می‌توان حمایت اجتماعی را رهاورد روابط اجتماعی دانست. در این میان، می‌توان از ساز و کار فرهنگ‌سازی، به منظور اشاعه فرهنگ حمایت اجتماعی در بین آحاد یک جامعه بهره‌مند شد. با این وصف، این نوشتار درصدد است تا به بررسی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حمایت اجتماعی و راه کارهای تحقق آن، مبتنی بر فرهنگ‌سازی و مآخوذ از آموزه‌های وحیانی بپردازد. روش مطالعه کیفی بوده و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای استقرائی تحقیق صورت گرفته است. در این مسیر به این دسته از سوالات پاسخ داده شده است. فرهنگ‌سازی حمایت اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی دارای چه مختصاتی است؟ از چه الزاماتی در این مسیر تبعیت می‌کند؟ تعاملات انسانی یا فرایندهای اجتماعی که زمینه‌ی شکل‌گیری حمایت اجتماعی را تثبیت و یا تسریع می‌کند، کدامند؟ از میان مکانیزم‌های حمایتی، به کنش‌های مبتنی بر احسان، انفاق، صدقات، خمس و زکات و قرض الحسنه، پرداخته شده است و مصادیق مورد حمایت هر یک از آن احصا گردید و کارکردهای مترتب بر آن نیز مورد بحث قرار گرفته و به چگونگی فرهنگ‌سازی آن، نظر افکنده است.

**کلمات کلیدی:** فرهنگ‌سازی، حمایت اجتماعی، آموزه‌های قرآن، کنش حمایتی، نظام کارکردی، تفسیر اجتماعی.



## ۱- مقدمه:

در جوامع مدرن، تمایل به فردگرایی افزایش یافته، به طوری که این امر می‌تواند منجر به کاهش حس تعلق به گروه‌های اجتماعی، انزوا و گسست میان اعضای جامعه، به عنوان یک چالش مهم اجتماعی شود و بر روحیه افراد، سلامت روان و همبستگی اجتماعی نیز تأثیر منفی گذارد. در این میان، حمایت اجتماعی، به عنوان یک منبع حیاتی و در اشکال مختلف آن مانند عاطفی، اطلاعاتی و مالی، برای رفاه روحی و جسمی شناخته شده است؛ زیرا کارکرد آن، می‌تواند فرد را از تنهایی و انزوا رها ساخته، در مدیریت بحران‌ها و در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی روزمره مدد رسانده و به بهبود کیفیت زندگی موثر باشد. لذا از حمایت اجتماعی می‌توان به عنوان امری ضروری و اجتناب ناپذیر یاد کرد که نیازمند به فرهنگ سازی در لایه های مختلف اجتماعی است و منظور از فرهنگ سازی حمایت اجتماعی، ترویج و نهادینه سازی ارزش‌ها، باورها و رفتارهایی است که به تقویت روابط اجتماعی و تقویت شبکه‌های حمایتی بین افراد و گروه‌ها می‌انجامد. این ضرورت اقتضا می‌کند تا به بررسی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حمایت اجتماعی و راه کارهای تحقق آن، مبتنی بر فرهنگ سازی و ماخوذ از آموزه های وحیانی بپردازد. روش مطالعه، کیفی و با استفاده از مکانیزم تحلیل محتوای کیفی تحقیق صورت گرفته است. در این مسیر به این دسته از سوالات پاسخ داده شده است. فرهنگ سازی حمایت اجتماعی بر اساس آموزه های قرآنی دارای چه مختصاتی است؟ از چه الزاماتی در این مسیر تبعیت می‌کند؟ تعاملات انسانی یا فرایندهای اجتماعی که زمینه‌ی شکل گیری حمایت اجتماعی را تثبیت و یا تسریع می‌کند، کدامند؟

## ۲. ادبیات تحقیق:

اصغری (۱۳۹۶) در مطالعه ای با عنوان «نقش زکات در تولید ثروت در نگرش قرآن کریم» در تلاش است تا به بررسی اهمیت و نقش زکات در تولید ثروت از طریق فقرزدایی و رفع محرومیت از جامعه با از بین بردن شکاف و فاصله های عمیق طبقاتی و برخورداری تمامی انسان ها از ثروت های خدادادی از منظر قرآن کریم بپردازد. این مطالعه، اگر چه در زمره بررسی مصادیق حمایت اجتماعی شمرده می‌شود ولی فاقد تحلیل اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی و کاهش فقر است. محمدی و دیگران (۱۴۰۱) نیز در مقاله «بررسی تأثیر باورهای دینی و حمایت اجتماعی ادراک شده بر گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم» به بررسی تأثیر باورهای دینی و حمایت

اجتماعی ادراک شده بر گرایش به رفتارهای پرخطر در میان دانش‌آموزان پرداخته و به این نتیجه دست یافته که دین به عنوان عاملی حفاظت‌کننده در برابر رفتارهای پرخطر بوده و هنگامی که با ادراک حمایت اجتماعی افراد مهم زندگی همراه شود، می‌تواند در گرایش نداشتن فرد به رفتارهای پرخطر عامل بسیار تأثیرگذاری باشد. در این مطالعه مصادیق حمایت اجتماعی کمتر مورد بررسی قرار گرفته و بیشتر به اثبات مدعی تأثیر بخشی آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. تمایز مطالعه پیش رو، بررسی مصادیق حمایت‌های اجتماعی و تأثیر آن بر تقویت شبکه‌های اجتماعی با استفاده از داده‌های قرآنی است و این ادعا را ثابت می‌کند که حمایت اجتماعی در اسلام به عنوان یک اصل اساسی در تقویت روابط انسانی و ایجاد جوامع همدل و همکار اهمیت دارد و می‌تواند بر رفاه اجتماعی، سلامت روانی و افزایش کیفیت زندگی افراد تأثیرات مثبتی داشته باشد و با فرهنگ‌سازی آن می‌توان به بهبود شرایط اجتماعی و تقویت حس تعلق در جوامع اسلامی کمک کرد.

### ۳. چارچوب مفهومی

مطالعه مبتنی بر روش کیفی، نیازی به طرح چارچوب نظری ندارد و چارچوب مفهومی مرتبط با موضوع، در قالب تعاریف متغیرهای مورد مطالعه و ارتباط میان آن‌ها بررسی خواهد شد. چارچوب مفهومی کمک می‌کند تا مفاهیم، متغیرها و ارتباطات بین آن‌ها به صورت منظمی سازمان‌دهی شود. بر این اساس، برخی از مفاهیم مرتبط با مطالعه باز تعریف شده و ابعاد آن مورد کاوش قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. فرهنگ‌سازی

فرهنگ‌سازی را می‌توان فرایندی دانست که موجبات محتوا سازی، ساختاریابی، اصلاح بخشی و مشارکت دهی اجتماعی را از رهگذر تعامل‌گرایی جوامع فراهم می‌سازد. (دهشیری، ۱۳۸۸، ۱۷۹). ساز و کار ارتباطات فرهنگی در این فرایند می‌تواند در انتقال و تبادل ارزش‌ها، آداب و رسوم بین افراد و گروه‌های مختلف در جامعه موثر افتد و موجب تقویت روابط اجتماعی و افزایش حس مسئولیت اجتماعی شود. این ارتباطات نقش بسیار مهمی در فرهنگ‌سازی دارند، زیرا می‌توانند به ترویج و نهادینه‌سازی رفتارها و ارزش‌های اجتماعی کمک کنند. توسعه ارتباطات در این مسیر، به معنای ارتقاء کیفیت و کمیت ارتباطات بین فردی و اجتماعی در جامعه است که منجر به افزایش همبستگی و همکاری می‌شود.

### ۳-۲. عنصر فرهنگی

«به کوچکترین واحد یک فرهنگ اطلاق می‌شود. این عنصر می‌تواند یک عبارت، یک شیء، یک ادا یا یک نماد باشد.» (کوئن، ۱۳۷۴، ۴۰)

### ۳-۳. حمایت اجتماعی

«حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر خانواده، دوستان و دیگران مهم تعریف کرده‌اند.» (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۷). تحقق آن با وجود شبکه‌های حمایتی و مساعدت اجتماعی شکل گرفته و در قالب حمایت عاطفی، اطلاعاتی، مالی و اجتماعی ظهور و بروز پیدا می‌کند. در مجموع می‌توان چهار مولفه‌ی کلیدی در حمایت اجتماعی برشمرد: حمایت احساسی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت در ارزیابی و شناخت. حمایت اجتماعی ابزاری در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۳-۳-۱. حمایت اجتماعی ابزاری

حمایت ابزاری به کمک‌های مادی، عینی و واقعی دریافت شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می‌گردد. این نوع حمایت به افراد کمک می‌کند تا نیازهای روزانه خود را تامین نمایند و شامل عناصری از کمک‌های مادی و عینی است. (همان)

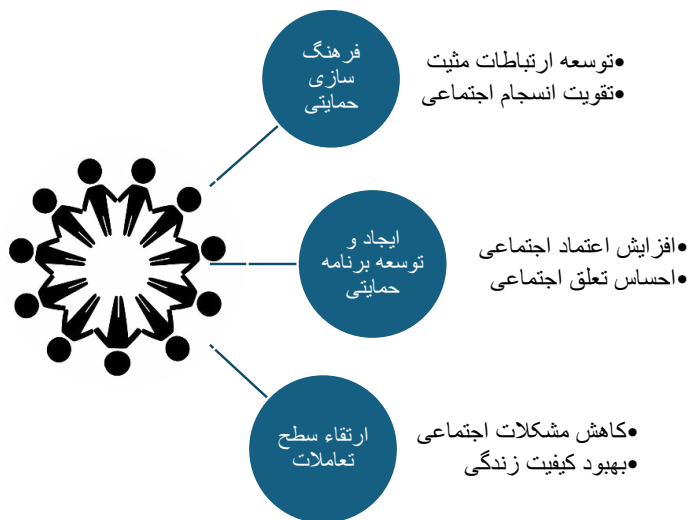
چارچوب مفهومی و مدل پیشنهادی این مراحل را سپری کرده است:

الف) فرهنگ‌سازی حمایتی: شامل آموزش و ترویج ارزش‌های مثبت.

ب) ایجاد و توسعه برنامه‌های حمایتی که افراد را به هم متصل کرده و شبکه‌های حمایتی را به منظور توسعه بسترهای مشارکت به وجود آورده است.

ج) توسعه و ارتقاء سطح ارتباطات به منظور ایجاد مکانیسم‌هایی برای همکاری و همفکری در پروژه‌های حمایتی.

این مدل نشان می‌دهد که فرهنگ‌سازی حمایت اجتماعی می‌تواند به توسعه ارتباطات مثبت در جامعه کمک کند و با ایجاد شبکه‌های حمایتی و تقویت تعاملات اجتماعی، به یک جامعه موفق و همبسته دست یابد و در آن افراد به یکدیگر کمک کرده و احساس تعلق و همکاری بیشتری داشته باشند.



شکل ۱. مدل فرهنگ سازی حمایت اجتماعی

#### ۴- روش شناسی

روش تحقیق این مطالعه، تحلیل محتوای کیفی استقرائی به عنوان یکی از مکانیزم‌های روش کیفی است. در این مکانیزم، شناخت واقعیت جز با درک آن به مثابه یک کل واحد و به هم پیوسته، ممکن نمی‌شود. همچنین فهم معانی مستتر در پیام‌ها تنها با گذر از سطح و با رسوخ به معانی پنهانی که در پس اجزای متن نهفته‌اند، میسر خواهد شد. در تحلیل محتوای کیفی، با در نظر داشتن کاستی‌ها، محقق فعالانه وارد فرایند تحقیق می‌شود و به درک موضوع تحقیق با در نظر گرفتن بافت ارتباطی که موضوع مطالعه در آن ریشه دارد (نظیر نیت مولف و زمینه فرهنگی موضوع)، ویژگی‌های متن (مانند بافت غیر زبانی، نشانه‌شناختی، دستوری و...) و ویژگی‌های گروه هدف و دریافت‌کنندگان اقدام می‌کند. (Mayring, ۲۰۰۳, ۲۶۷). مسیر حرکت در تحلیل محتوای کیفی عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات و سپس ایجاد مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی است. از این رو، کاربرد بیشتر منطق استقراء در آن، پذیرفته شده است. (Eio&Kingas, ۲۰۰۷, ۱۰۷)

منطبق با کاربرد این روش، گردآوری داده‌ها از میان آیات وحی، نخستین مرحله‌ای است که باید اقدام نمود. و آنچه خلاقیت و اتقان کار را در این زمینه تضمین می‌کند، احاطه پژوهشگر به دانش تفسیراجماعی آیات وحی است.



بنابراین تفسیر اجتماعی قرآن به عنوان یکی از اقدامات اساسی در فرایند انجام کار مد نظر بوده است. «مقصود از تفاسیر اجتماعی، مجموعه ای از شروح، توضیحات، استنباطات و تحلیل‌هایی است که مفسران در طی قرون و اعصار در ذیل آیات اجتماعی قرآن مجید عرضه کرده اند. آیات اجتماعی نیز به آیاتی اطلاق می‌شود که به زندگی اجتماعی انسان و لوازم و آثار و پیامدهای آن مربوط باشد.» (تقی زاده داوری، ۱۳۸۸، ۱۷۰)

## ۵- یافته‌های تحقیق

به منظور شناسایی عناصر فرهنگی حمایت اجتماعی، آیات مرتبط، مفهوم‌سازی<sup>۱</sup> شده، سپس مقولات<sup>۲</sup> ذیل انواع روابط و کنش‌های مبتنی بر قالب‌های حمایت اجتماعی طبقه‌بندی شدند و نتایج به دست آمده از آن در چهار مقوله محتوا سازی، ساختاریابی، اصلاح بخشی و مشارکت اجتماعی در ذیل مدل فرهنگ سازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ۱-۵. محتوای فرهنگ سازی حمایت اجتماعی

اگر برای فرهنگ، عناصر باورها (نظام جهان بینی)، ارزش‌ها (بایدها و نبایدها) و هنجارها (الگوهای برآمده از ارزش‌ها و باورها) را بر شماریم، هر یک از عناصر فرهنگی حمایت اجتماعی در محتوا سازی بر اساس داده‌های مستخرج از آموزه‌های قرآنی چنین تحلیل می‌شود که محتوای حمایت اجتماعی، شامل آن دسته از اوامر الهی است که از بندگان خواسته در قالب‌هایی از قبیل احسان، صدقه، انفاق، خمس، زکات و قرض الحسنه با هم نوعان خویش در تعاملی گرم، عاطفی و مبتنی بر محبت و عام‌گرایانه، به دور از خشونت و کاربرد ادبیات سخیف و رنج آور بوده و به تبادل محبت و اعطای سرمایه و ثروت خویش به نیازمندان پردازند. این نوع عملکرد مبتنی بر ارزشی دینی است که در بین متدینان به شریعت، درونی شده و بر اساس آن، دست به کنش زده و زمینه‌ی شکل‌گیری هنجارهایی می‌شود که مبنایی دینی دارد. این دسته از هنجارهای شکل گرفته از باورها و ارزش‌ها، می‌تواند به فرایند فرهنگ سازی کمک کرده و زمینه‌ی تثبیت یافتگی حمایت‌های اجتماعی را فراهم سازد. با این وصف، بخشی از محتواها در نظام‌های اجتماعی<sup>۳</sup> متشکل از ارزش‌ها<sup>۴</sup> و هنجارهایی

1. Conceptualization
2. Categories
3. Social systems
4. Value

است که جهت‌دهی به نگرش<sup>۱</sup>ها، ذهنیت<sup>۲</sup>ها و رفتار<sup>۳</sup>ها را در میان کنشگران<sup>۴</sup> شکل می‌دهد.

قرآن کریم در مسیر هدایت انسان‌ها و جوامع، نظرات قابل اعتنائی درباره چگونگی تحقق هنجارهای مطلوب و رفع ناهنجاریها و بیان ارزش‌های دینی، به منظور فراهم آوردن جامعه سالم، دارد. لذا شناسایی کنش‌های مبتنی بر عناصر فرهنگی حمایت اجتماعی در مسیر فرهنگ‌سازی اجتناب‌ناپذیر است.

۲-۵- ایجاد و توسعه برنامه‌های حمایتی برنامه‌های حمایتی، اشاره به آن دسته از ساز و کارها دارد که توسط اعضای جامعه نسبت به همدیگر صورت گرفته و در قالب مصادیق کنش حمایتی، جامعه مخاطب و کارکردهای آن در آموزه‌های قرآنی بدان تأکید شده است.

### ۱-۲-۵. کنش حمایتی احسان

در هر جامعه‌ای افرادی وجود دارند که به دلایلی، از جمله نقص در فعالیت‌های اقتصادی، قادر نیستند با مشارکت در کنش‌های اجتماعی، حقوق و مزایایی را کسب کرده و در نتیجه قادر نخواهند بود تا مایحتاج زندگی خویش را تأمین نمایند. مکانیزم حمایتی احسان، به عنوان یکی از کنش‌های حمایتی، می‌تواند در کمال عزت نفس و احترام به افرادی با این خصوصیت عمل کند و باعث کاهش فقر و فاصله طبقاتی بین توانگران و ناتوانان شود. آیه ۱۷۷ سوره بقره، شمار حمایت شوندگان و ترتیب تقدّم آن‌ها را (خویشان، یتیمان، مساکین، در راه ماندگان و گدایان) بیان می‌کند. در آیات دیگر هم با اندک تفاوت به این رتبه‌ها اشاره شده است. این سلسله مراتب حمایت نشان می‌دهد، رعایت اولویت‌ها، مسئولیت‌رسیدگی به حمایت شوندگان میان اعضای جامعه تقسیم می‌شود و نیز با علم و آگاهی کامل، این کار صورت می‌گیرد.

آیه ۳۶ نساء در عداد مصادیق احسان، از پدر و مادر یاد می‌کند و آن‌ها را در رتبه‌ی نخست از احسان شمرده و در برخی از تفاسیر، احسان به ایشان را در تراز با سپاس از پروردگار بیان کرده است. «از جمله سپاس از نعمت‌ها رعایت حقوق پدر و مادر است. در آیات بسیاری احسان به والدین را مقرون به ایمان و از لوازم ستایش پروردگار قرار داده است.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۴، ۵۷) موضع

1. Attitude
2. Mentality
3. Behavior
4. Actor



«احسان و نیکی به والدین» در آموزه های دینی، از اهمیت خاصی برخوردار است و در آیات دیگری<sup>۱</sup> بدان تاکید شده است. دلیل تقدم احسان به والدین مبتنی بر این است که بنای جامعه، بر خانواده استوار بوده و اولین نهادی است که نقش به سزایی در جامعه پذیری دارد. پایه خانواده، مبتنی بر محبت بوده و به عنوان کانون تولید مهرورزی، این خصوصیت را به دیگر اعضای جامعه منتشر می سازد؛ چنان چه احترام به والدین در بین اعضا، برچیده شود انگیزه مستمری برای بقاء نهاد خانواده نمانده و در نتیجه خانواده از هم پاشیده و نسل انسانی منقرض خواهد شد.

دومین مصداق حمایت اجتماعی در آیه، خویشاوندان هستند. اغنیاء و متمکین در نظام خویشاوندی نسبت به کم برخورداران و ناتوانان خویشاوند خویش مسئولیت داشته و سزاوار نیست نسبت به این امر بی تفاوت بوده و از احسان به ایشان دریغ ورزند. احسان به این دسته، باعث تالیف قلوب در نظام خویشاوندی شده و مهر و محبت را افزایش داده و می تواند منجر به هم افزایی و انسجام به منظور وصول به اهداف مشترک شود. قرآن «دستور به نیکی کردن نسبت به همه خویشاوندان می دهد و این موضوع نیز از مسائلی است که در قرآن تاکید فراوان در باره آن شده است، گاهی به عنوان "صله رحم"، و گاهی به عنوان "احسان و نیکی" به آنها، در واقع اسلام می خواهد به این وسیله علاوه بر پیوند وسیعی که در میان تمام افراد بشر به وجود آورده، پیوندهای محکمتری در میان واحدهای کوچکتر و متشکل تر، بنام "فامیل" و "خانواده" به وجود آورد تا در برابر مشکلات و حوادث یکدیگر را یاری دهند و از حقوق هم دفاع کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۳۷۹). بنابراین، وقتی به حفظ ارتباط اهمیت دهیم، نتیجه حمایت شونذگی را خواهد داد و بدین سبب احساس بهتری در ما ایجاد می شود. تراکم احساس های خوب در بین آحاد یک جامعه می تواند کنش های مطلوب تری ایجاد کرده و در جهت هدف متعالی سیر کند.

فرزندانی که از نعمت پدر و مادر یا یکی از آن دو محروم اند، می توانند در عداد مصداق احسان قرار گرفته و بدین سبب از آسیب های احتمالی، مصون بمانند. آنچه در این آیه مورد تاکید قرار گرفته، تفکیک پذیری این گروه اجتماعی از مساکین است چون خانواده ناقص<sup>۲</sup> با فقدان این نعمت، نسبت به برخی کنش های عاطفی محروم بوده و چه بسا نسبت به تامین مایحتاج اولیه ی

۱. بقره ۸۳، اسراء ۲۳، انعام ۱۵۱.

2. single parent family

زندگی نیز در تنگنا باشند. لذا حمایت از ایشان می‌تواند بخشی از کاستی‌های موجودشان را تامین کند. حمایت‌های مادی و معنوی می‌تواند عاملی پیشگیرانه در برابر آسیب‌های اجتماعی باشد.

نظام ناعادلانه توزیع ثروت و سرمایه و تبعیض‌های احتمالی در جوامع، می‌تواند دلیل ایجاد طبقه محروم و کم‌برخوردار باشد. تکثیر و تزاید این طبقه، می‌تواند مولد آسیب‌های اجتماعی باشد به منظور جلوگیری از تکثیر آسیب‌ها و به خاطر کاهش فاصله‌های طبقاتی، لازم است سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان اجتماعی، اغنیاء و ثروتمندان جامعه نسبت به این پدیده شوم مسئولیت‌پذیر بوده و با حمایت‌های همه‌جانبه‌ی خویش مانع از وقوع مسائل اجتماعی احتمالی شوند. در گذشته کارکرد محلات، حل و فصل نابسامانی‌های احتمالی نظام همسایگی بوده و در نگاه ایجابی، همسایگان در محلات از همبستگی و انسجام زاید الوصفی برخوردار بودند که حس واحدی در پیکره‌ی بزرگتر را سبب می‌شدند. علاوه بر آن که تامین نیازهای مادی و معنوی همسایگان در محلات از وظایف ذاتی‌شان شمرده می‌شد. این مهم در آموزه‌ی دینی به درستی بدان توجه شده و از همسایگان به عنوان عنصری کلیدی در ارتباطات تلقی می‌شود. آیه ۳۶ نساء با تاکید به این امر، یکی از مصادیق احسان را همسایگان دانسته و با در نظر گرفتن دور و نزدیک آن را مورد تاکید قرار داده است.

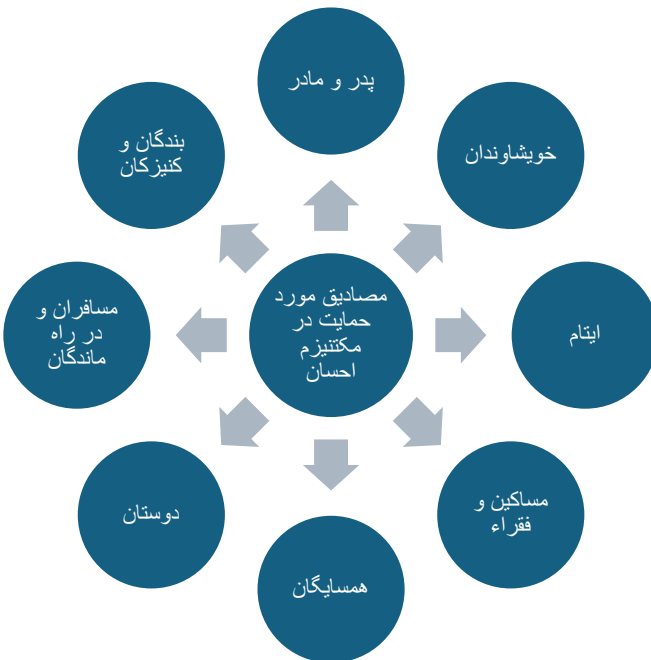
گروه دوستان از دیگر مصادیق احسان در مفاد آیه است. زیرا این گروه تاثیر گذار در فرایند جامعه‌پذیری بوده و می‌تواند شکل دهنده و تثبیت‌کننده عناصر نظام اجتماعی باشد. به هر میزان عوامل جلب توجه بین گروه دوستی از ناحیه‌ی شخصی بیشتر باشد، احتمال تاثیر گذاری وی بر دیگران بیشتر خواهد بود. در گروه دوستی، خرده فرهنگ‌هایی وجود دارد که به دلیل پایبندی اعضا نسبت به آن‌ها، افراد احساس «ما»ی بیشتری به هم می‌کنند و در نتیجه به احوال یکدیگر بیشتر آشنا هستند. یکی از شواهد اهتمام به گروه در این آیه، برداشت از «صاحب الجنب» در آیه، است. نویسندگان تفسیر نمونه دایره و گستره‌ی این مفهوم را بسی وسیع‌تر در نظر می‌گیرند. «صاحب الجنب» معنایی وسیع‌تر از دوست و رفیق دارد و در واقع هر کسی را که به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته باشد، در بر می‌گیرد. خواه دوست دائمی باشد یا یک دوست موقت (همانند کسی که در اثناء سفر با انسان همنشین می‌گردد، و اگر می‌بینیم در پاره‌ای از روایات "صاحب الجنب" به رفیق سفر (رفیقك فی السفر) و یا کسی که به امید نفعی سراغ انسان می‌آید (المنقطع اليك یرجو نفعك) تفسیر شده، منظور اختصاص



به آن‌ها نیست بلکه بیان توسعه مفهوم این تعبیر است که همه این موارد را نیز در بر می‌گیرد و به این ترتیب آیه يك دستور جامع و کلی برای حسن معاشرت نسبت به تمام کسانی که با انسان ارتباط دارند می‌باشد، اعم از دوستان واقعی و همکاران، و همسفران و مراجعان و شاگردان و مشاوران و خدمتگزاران.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۳۸۲)

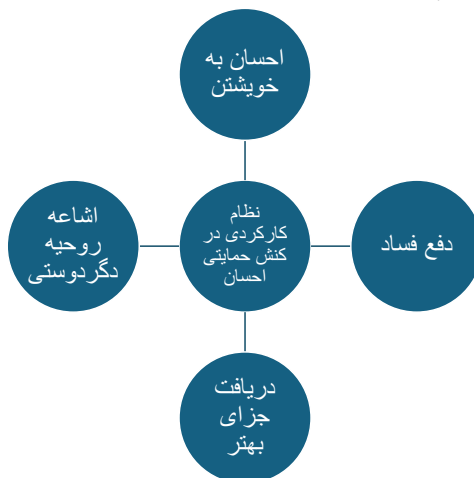
مسافران و در راه ماندگان کسانی هستند که در یک جامعه‌ی معین اعضایش نسبت به آن‌ها شناختی ندارند و وجه تمایز آن‌ها نسبت به دیگران غربت ایشان است. این دسته نیز از مصادیق احسان است. توجیه برای این دسته از نیازمندان را می‌توان در توجیه کلی حمایت دانست که پشتیبانی مالی و عاطفی از این دسته، فرد ناشناخته را از ارتکاب به نابهنجاری باز می‌دارد.

بندگان و کنیزکان در آیه از مصادیق احسانند. تعبیر امروزی و معادل آن با توجه به استدلال نویسنده‌ی تفسیر المیزان، از «مَلَکْتُ أَيْمَانُكُمْ»، (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۴، ۵۶۲) شاید بتوان به زیردستان و کارگران تحت امر تعبیر کرد. احسان به این دسته از بندگان خداوند، منجر به بهبود رابطه و تعامل بین کارفرما و کارپیشه شده و طرفین در صدد جبران احسان یکدیگرند.



شکل (۲) مصادیق مورد حمایت در مکانیزم احسان

در بیان کارکرد و آثاری که به امر احسان می‌پردازد، آیات بسیاری وجود دارد. کارکرد احسان، موجب می‌شود که وضعیت معیشتی قشر مستضعف بهبود یابد و متعاقب آن، مودت و محبت، گردش ثروت، ایجاد امنیت و سلامت عمومی در جامعه افزایش یابد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۲، ۴۷۹). اولین کارکردی که احسان دارد، نیکی به خویشتن است. این معنا از آیه ۱۴۱ سوره بقره قابل برداشت است. «بر این اساس عمل اختیاری نیک و یا بد، پسندیده و یا ناپسند، پدیده و محصول و رشد روان فاعل مختار است و چون عمل از آن سرچشمه گرفته بدان نیز باز خواهد گشت، یعنی محصولی است که سبب تقویت و رشد روح و ثبات صورت علمی و استقرار اخلاقی آن می‌شود.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۰، ۲۲). آیه ۷۷ سوره قصص به چنین کارکردی در احسان اشاره می‌کند. «در آنچه خدایت ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن...». دفع فساد با احسان از دیگر کارکردهایی است، که از همین آیه قابل استنتاج است. در آیه ۸۴ همین سوره می‌افزاید احسان به دیگری جزای بهتری برای محسن در پی خواهد داشت. «هر که نیکویی کند جزایی بهتر از آن دارد...». کارکرد قابل برداشت دیگر، اشاعه روحیه دگردوستی است. اصولاً احسان از شاخص‌های جوامع پیشرفته است زیرا به هر میزان که اعضای جامعه ای احسان کنند؛ از روحیه‌ی دگردوستی بیشتری برخوردارند و همین امر سبب تقویت و رشد روح اخلاق آن‌ها خواهد شد.



شکل (۳) نظام کارکردی در کنش حمایتی احسان

## ۲-۲-۵ کنش حمایتی انفاق

انفاق به معنای گذشتن از چیزی (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶م، ص ۸۱۹) و واگذاری



برخی از درآمدها و ثروت‌ها به دیگران جهت بهره‌مندی از آن است. «انفاق» بهترین چاره به منظور جلوگیری از تجمع ثروت است. اگر ثروتمندان مال خود را در کارهای عام المنفعه مصرف کنند، هم شکاف جامعه پرمی‌شود، و هم خودشان با قلب آرام زندگی می‌کنند، جامعه‌ای که در آن انفاق حکم فرماست از صمیمی‌ترین جامعه‌هاست که اهل آن با همدیگر صمیمی و مهربان هستند» (قرشی، ۱۳۷۷، ۱، ۵۱۸). بنابراین، انفاق نه تنها برای تامین نیازها و رفع آن است، بلکه می‌تواند دریچه‌ای برای راهیابی در قلب دیگران و وسیله انتقال محبت و پیوند جمعی باشد، تا بداندیشی و کینه‌ها، تبدیل به محبت و رحمت عمومی شود. از سوی دیگر هر نوع انفاقی، گسستن و کنده شدن از علاقه‌ها و وابستگی‌های خود خواهانه و خود بینانه است که انسان را بسته و راکد و واژگون می‌سازد.

یکی از مصارف و مصادیق انفاق طبق مفاد آیه ۱۷۷ سوره بقره «رِقَاب» هستند. بردگانی که در اسارت مسلمین هستند. یکی از توجیهات برای این نوع مصرف، احتمالاً ناظر به این باشد که با این اقدام، نیروی کار به جامعه عرضه می‌شود و زمینه‌ی تعالی و رشد و انگیزه مضاعف برای وی ایجاد شده تا با کار بیشتر در تسریع بخشی به فرایند پیشرفت موثر واقع شود. «وَفِي الرِّقَابِ»: از جمله مصارف صدقات آزاد کردن بردگان است، زیرا هدف این است که بردگان که عموماً مردمانی بی‌سواد هستند در اثر تماس با طبقات مختلف جامعه کم‌کم خوی وحشی‌گری خود را از دست داده و تغییر رفتار دهند، و همین که اینان روش کار و زندگی آموختند و ضمناً بدین اسلام گرویدند آزاد شوند.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ق، ۲، ۹۵)

از آنجایی که جنگ و پیکار با آرامش و امنیت ناسازگاری دارد، اعطاء نفقات در راه پیکار با دشمنان زمینه ساز آرامش و امنیتی خواهد شد که لازمه‌ی جامعه پیشرفته است. «در اسلام تأمین وسائل جهاد با دشمنان از واجبات شمرده شده در این آیه با صراحت دستور می‌دهد و می‌فرماید: «در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.» (بابایی، ۱، ۱۳۸۲، ۱۷۷)

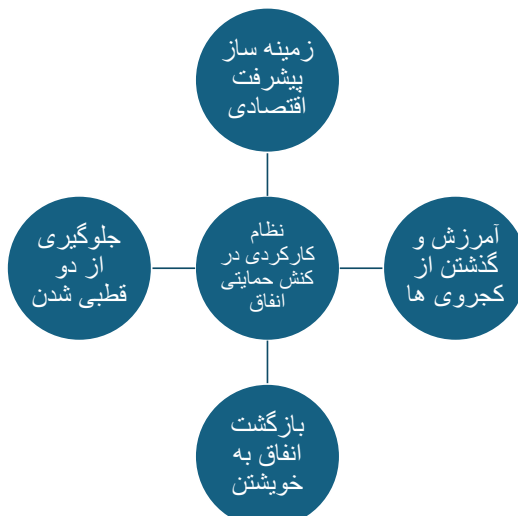
نظام کارکردی در کنش حمایتی انفاق دارای ابعاد است. خداوند انفاق را به عنوان یکی از عوامل معنوی مهم در رشد و پیشرفت اقتصادی معرفی می‌کند و برخلاف ظاهر انفاق که موجب کاهش سرمایه به نظر می‌رسد، خداوند وعده جایگزینی اموال انفاق شده را می‌دهد (سبأ/۳۹) و حتی این عمل را عاملی برای افزایش اموال معرفی می‌کند. (بقره/۲۷۶). در آیات متعددی به کارکرد افزایش یافتن سرمایه شخص انفاق کننده اشاره شده است. آیه ۲۶۱ سوره بقره شخص منفق را چنین تشبیه می‌کند. «تشبیه افراد انفاق کننده به دانه‌های پر برکت، تشبیه جالب و عمیقی است گویا قرآن می‌خواهد بگوید: عمل هر انسانی پرتوی از وجود او است، و هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان در حقیقت توسعه یافته است. به تعبیر

دیگر، قرآن عمل انسان را از وجود او جدا نمی‌داند و هر دو را اشکال مختلفی از یک حقیقت می‌شمرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۴-۳۱۳). آیه ۲۶۵ همین سوره نیز تشبیه دیگری نسبت به افزایش سرمایه در اثر انفاق کرده است.

آمزش و چشم پوشی از کجروی‌های گذشته از دیگر کارکردهایی است که در آیه ۲۶۸ همین سوره نیز بدان اشاره شده است. وعده به بخشش از کجروی می‌تواند از عوارض نابهنجاری کاسته و زمینه ساز تعالی و رشد بشری شود. از دیگر سو، وعده‌ی به افزایش سرمایه نیز در این آیه مورد تاکید قرار گرفته است.

کارکرد دیگر انفاق، بازتاب آن به خویشتن است. چنان که در آیه ۲۷۲ سوره بقره چنین می‌فرماید: «... هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست...». نویسنده تفسیر مجمع البیان، ثمره این کارکرد را تشویق و ترغیب به کنش‌های حمایتی می‌داند. «غرض از این آیه ترغیب و تشویق به انفاق است زیرا وقتی انسان بداند که منفعت و سود انفاقش بخودش باز می‌گردد به انفاق حریص تر و علاقمندتر می‌گردد.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ۳، ۱۷۱)

فارغ از تأثیر انفاق در نزول برکات و رحمت الهی، برای این نوع کنش حمایتی می‌توان کارکردهای اجتماعی متعددی بیان کرد. یکی از آن‌ها جلوگیری از دو قطبی شدن و فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی است. مسأله‌ای که در صورت گرفتار شدن جامعه به آن، مشکلات و مفاسد اجتماعی و اخلاقی زیادی همچون سرقت و ناامنی، اختلاس و فساد اداری و ... را به همراه دارد که زیرساخت‌های حرکت اقتصادی و تولیدی را به خطر می‌اندازد.

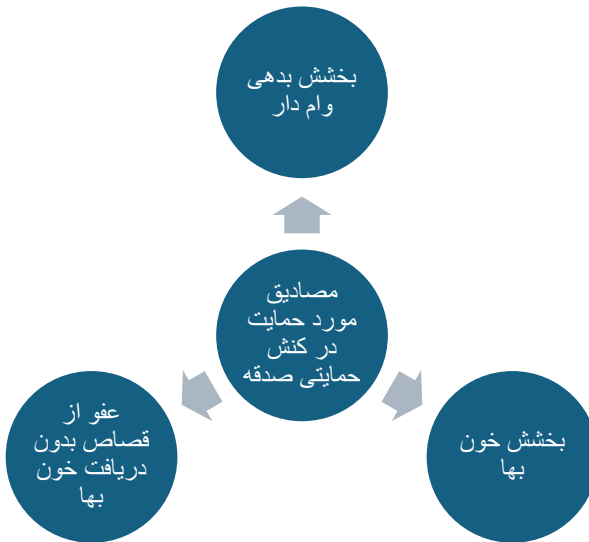


شکل (۴) نظام کارکردی در کنش حمایتی انفاق

### ۳-۲-۵. کنش حمایتی صدقه

یکی از آموزه‌های قرآن، پرداخت صدقه است که دارای آثار جذب منفعت و دفع بلا بوده و مورد تاکید قرار گرفته است و به عنوان کنش حمایتی که زمینه‌ی افزایش همگرایی اجتماعی انسان را فراهم می‌کند، مورد تشویق و توجه قرار گرفته و از مومنان خواسته شده تا با صدقه دادن زمینه‌ی پیشرفت و رشد یافتگی خویش و جامعه‌شان را تضمین کنند.

خداوند در آیات ۲۷۸ و ۲۸۰ سوره بقره، به مصادیقی از صدقه اشاره کرده و بخشش بدهی و امدار تهیدست را از آن جمله برشمرده و به عنوان امری پسندیده از آن یاد می‌کند. از دیگر مصادیقی که قرآن برای صدقه برمی‌شمارد؛ می‌توان به بخشش خون بها از سوی خانواده مقتول (نساء آیه ۹۲) و عفو از قصاص و چشم پوشی بدون دریافت بهایی در برابر آن (مائده آیه ۴۵) اشاره کرد. این دسته از کنش‌ها می‌تواند هم حافظ آبرو و حیثیت اشخاص باشد (بقره ۲۶۳) و هم زمینه حفظ آبروی خویش با جلب محبت و رضایت خداوندی را فراهم آورد؛ زیرا خداوند آبروی کسی را حفظ می‌کند که آبروی مؤمنی را حفظ کند.



شکل (۵) مصادیق مورد حمایت در کنش حمایتی صدقه

برای شناخت اهمیت و ارزش صدقه می‌توان به برخی از کارکردهای دنیوی و اخروی آن اشاره کرد. خداوند، در آیه ۲۷۱ سوره بقره صدقه دادن را عاملی مهم برای محو گناهان انسانی می‌شمارد تا این‌گونه فرصتی به بشر داده و خود را از

هر گونه زشتی و گناه تخلیه کند و در سایه‌ی چنین فرصتی گام در طهات نفس بردارد و به پالایش روح و روان خویش از هرگونه آلودگی‌ها دست یابد. (مجادله آیه ۱۲). صدقه انسان را از هرگونه پلیدی و گناه شست و شو داده و پالایش می‌کند و اجازه می‌دهد تا خیراتی که از سوی خداوند نازل می‌شود آثار خود را به خوبی نشان دهد. از این رو خداوند در آیه ۲۷۶ سوره بقره صدقه دادن را عامل برکت و افزایش توانمندی‌های مادی و معنوی برای رشد و تعالی بشر معرفی می‌کند. «یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جدا شدنی نیست چون باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش داده و دل‌ها را از این که به سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگراید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فنای اموال را می‌بندد و همه این‌ها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا هم زیاد شود و چند برابر گردد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۲، ۶۴۲). در آیات ۲۷۱ و ۲۸۰ سوره بقره، ۱۸ سوره حدید و ۱۲ سوره مجادله، تأثیر و بازگشت هرگونه آثار مثبت را به صدقه دادن منوط می‌کند.

انسان با طهارت نفسی که از راه صدقه دادن کسب می‌کند و نیز برکت یابی از طریق صدقه، گامی بلند برای تقرب به خدا برمی‌دارد و در نزد خداوند محبوب می‌شود و از آثار محبت خداوند بهره‌مند می‌شود. یکی از آثار جلب و جذب محبوبیت خداوند، قرار گرفتن در گروه صالحان است. (توبه / ۷۵ و منافقون / ۱۰)

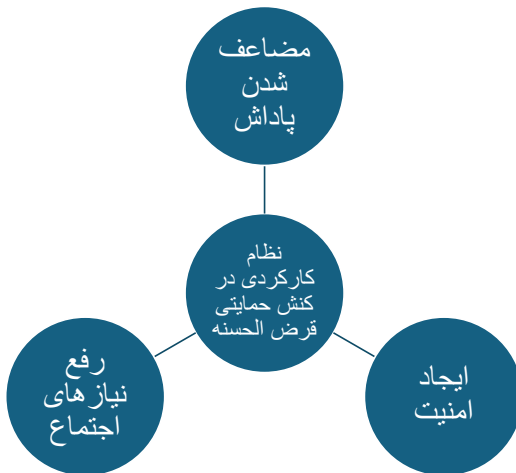
## ۲-۵-۴ کنش حمایتی قرض الحسنه

قرض الحسنه در اصطلاح فقهی با انفاق و قرض الحسنه قرآنی فرق دارد: قرض الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض دهنده آن را با قصد استرداد نه رایگان، به کسی می‌دهد؛ خواه عین آن یا مالیت آن در ضمن مالی دیگر برگردد، ولی قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۱، ۵۸۷). آنچه در اینجا به عنوان کنش حمایتی از آن یاد می‌کنیم قرض الحسنه قرآنی است که شامل مجموعه‌ای از کنش‌های حمایتی است که به منظور کمک به هم‌نوع و رفع نیازهای آنان صورت پذیرفته و زمینه‌ی کاهش فاصله طبقاتی و انسجام هر چه بیشتر را فراهم می‌کند.

کارکردهای این نوع کنش حمایتی در آیات مختلف به تعبیر گوناگون بیان شده است. در همه این آیات مضاعف شدن پاداش از سوی خداوند وعده داده شده است.



در آیه ۱۷ سوره تغابن، منظور از قرض الحسنه، انفاق در راه خدا و کمک به همنوع از آن اراده شده است. «از نظر تأکید در باره انفاق و بذل مال به زیردستان آن را قرض به ساحت قدس پروردگار معرفی نموده است و در مقام ترغیب به آنان وعده و مژده داده که در دنیا به زیادی نعمت و ثروت و رفاه در زندگی نایل خواهند شد زیرا آنچه از مال به زیردستان انفاق شود، ساحت پروردگار آن را اخذ فرموده و عوض آن را در دنیا و آخرت اداء خواهد فرمود و در دنیا از ثروت و رفاه زندگی بیشتر استفاده خواهند نمود و در آخرت نیز مورد مغفرت و آمرزش قرار خواهند گرفت.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۱۶، ۴۱۳). آیه ۱۱ سوره حدید، در بیان تشویق به هزینه کرد مسلمین برای جنگ است که این امر باعث حفظ و حراست از مرزهای جامعه ی مسلمین شده و امنیت که شرط لازم پیشرفت است، برقرار می‌گردد. (همان، ۱۷۲). آیه ۱۸ سوره حدید، «آیه مبنی بر تأکید به انفاق و بذل مال برای رفع نیازهای اجتماع بطور کلی است.» (همان، ۱۸۵)



شکل (۶) نظام کارکردی در کنش حمایتی قرض الحسنه

### ۵-۲-۵ کنش حمایتی خمس و زکات

خمس و زکات به عنوان دو مکانیزم مهم در بخش درآمد اقتصادی جامعه مسلمین تعریف شده است. بنیان این مکانیزم‌ها بر جابجایی درآمد حاصل از تلاش انسانی و دستاورد مالی ناشی از برخورداری و در اختیار داشتن منابع طبیعی

استوار است. در کنش حمایتی خمس، جابجایی ثروت بین افراد خاص، تطهیر مال و اعتلای فرهنگ غنی اسلامی مدنظر است، ولی در زکات، انتقال ثروت و درآمد از افراد و صرف آن در عمران و آبادانی و ارتقاء معیشت مستمندان به صورت عام هدف است.

به عبارت دیگر، خمس نرم‌افزار اقتصادی و زکات سخت‌افزار اقتصادی است. در خمس، حیات و زندگی افراد و نظام فرهنگی مورد نظر می‌باشد و در زکات، جبران کاستی‌های اقتصادی جامعه هدف‌گیری شده است. اگرچه جنس این دو کنش اقتصادی-عبادی می‌باشد، ولی تبعات و آثار آن‌ها اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. درست و صحیح اجرا کردن این دو مکانیزم حمایتی می‌تواند شکاف‌های طبقاتی حاصل از ناتوانی افراد و نواقص نظام اقتصادی مؤثر بر نظام فرهنگی را جبران و مرتفع نماید.



شکل (۷) نظام کارکردی در کنش حمایتی خمس و زکات

### ۳-۵ ساختاریابی و ارتقاء سطح تعاملات و ارتباطات

از نظر گیدنز: «ساختارهای اجتماعی عبارتند از مجموعه کلی و دفعتهاً ظاهر شونده‌ای از قواعد، نقشها و روابط و معانی که افراد در درون آن‌ها به دنبال آینده به کمک اندیشه و عمل انسان‌ها سازماندهی، باز تولید و متحول می‌شوند». (داورپناه، سالاری، ۱۳۹۰، ۲۲) این انسان‌ها هستند که در طی زمان ساختارها



را خلق می‌کنند و مبتکر تحول در آن‌ها می‌گردند نه خود جامعه؛ ولی فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آن‌ها تابع محدودیت‌های اجتماعی است. با این وصف، ساختارهای شکل دهنده و تقویت‌کننده‌ای که به ایجاد و تثبیت هنجارهای حمایت اجتماعی فرهنگ سازی می‌پردازد در نهاد های مختلف اجتماعی دارای صور گوناگونی است:

در نهاد خانواده به الگوی روابط بین اعضا توجه داشته و به مقولاتی مانند نوع ارتباط بین فرزندان و والدین، ارتباط بین فرزندان در تبادل محبت و اعطای سرمایه و ثروت و حمایت‌های معنوی لازم التفات دارد. از دیگر سو، نظام خویشاوندی در مدلی فراتر از نهاد خانواده به این دسته از روابط پیچیده نظر داشته که به تسهیل سازی و تثبیت تعاملات اجتماعی مبتنی بر محبت و حمایت‌های چند جانبه بین نهادهای خانواده‌ای که در گستره وسیع تری شکل گرفته و نظام خویشاوندی را شکل داده است و در قالب‌هایی مانند صله رحم بروز و ظهور می‌یابد. چنان که از صله رحم به عنوان مصداقی از کنش عاطفی گسترده در کنش‌های متقابل اجتماعی در تعالیم دینی یاد می‌کنیم.

گروه دوستان نیز به عنوان گروه مرجعی که تاثیر بسزایی در جامعه پذیری دارد به تعاملات اجتماعی بین همسالان و گروه‌های دارای منافع مشترک به منظور تثبیت یافتگی حمایت‌های اجتماعی توجه دارد. گروه‌های دوستی به دلیل وجود علایق و تجربیات مشترکی که بین اعضای یک گروه اجتماعی وجود داشته و موجب گردهمایی آنان شده می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری و تداوم حمایت اجتماعی شود.

نظام همسایگی نیز بستر مناسبی برای شکل‌گیری و تثبیت حمایت‌های اجتماعی است. در این ساختار اعضای محلات احساس همبستگی کرده و خویش را از یک خانواده وسیع تری می‌بینند که کنش‌های متقابل آنان در راستای حمایت از همدیگر تعریف شده است.

طبقات و اقشار مختلف اجتماعی نیز می‌تواند با استفاده از ظرفیت خویش و به منظور تثبیت و توسعه تبادلات اجتماعی کنش‌های مبتنی بر حمایت‌های اجتماعی را شکل داده و اشاعه دهنده آن باشد.



شکل (۸) ساختار حمایت های اجتماعی

#### ۵-۴ اصلاح بخشی در سطح تعاملات

اگر اصلاح بخشی را، باور به امکان تغییر ساختارهای بنیادی یک جامعه از طریق تغییر تدریجی از درون نهادها و کنش های موجود بدانیم، در فرایند فرهنگ سازی، عناصری از پازل محتوا و ساختارهای حمایت اجتماعی نیازمند به اصلاح بوده تا زمینه ساز بهبود روابط شود. عناصر نیازمند به اصلاح در قالب هنجارها شکل می گیرد. مانند این که در تعالیم قرآنی اشاره به کیفیت محتوای تبادلات شده مانند، خصوصیت انفاق. آیه ۲۶۷ سوره بقره و ۹۲ سوره آل عمران، کیفیت انفاق را از پرداخت بهترین ها و آنچه که بیشتر حامی بدان علاقمند است، برای حمایت شونده معرفی می کند. چون پرداخت بهترین نوع انفاق، باعث ایجاد مودت و محبت بین دریافت کننده و پرداخت کننده می شود و دریافت کننده به نوع ایثار پرداخت کننده پی برده، سبب تعاملات از نوع گرم و عاطفی بین ایشان برقرار می شود. «در حقیقت، آیه به نکته لطیفی اشاره می کند که انفاق در راه خدا، یک طرفش مؤمنان نیازمندان، و طرف دیگر خدا، و با این حال اگر اموال پست و بی ارزش انتخاب شود، از یک سو تحقیری است نسبت به نیازمندان که ممکن است علی رغم تهیدستی مقام بلندی از نظر ایمان و انسانیت داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر سوء ادبی است نسبت به مقام شامخ

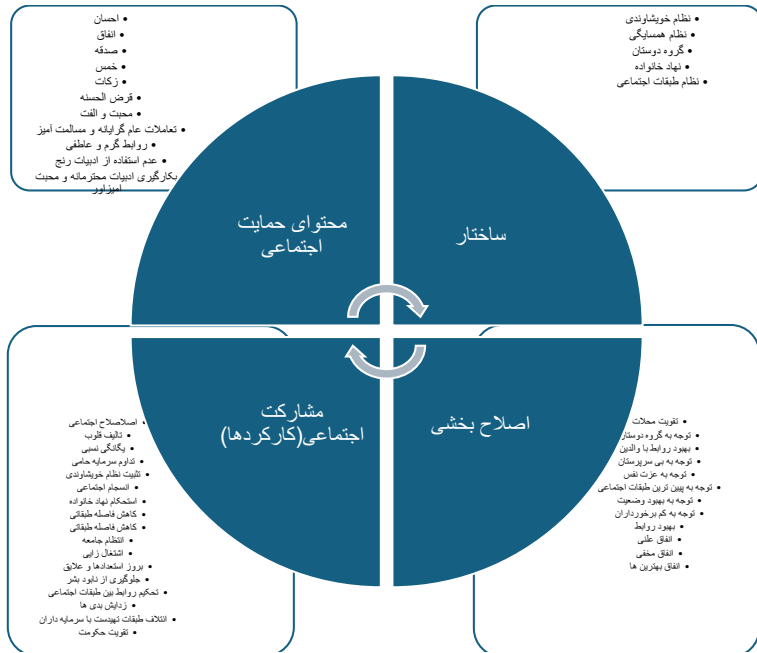


پروردگار» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۳۳۳)

خصوصیت دیگر اصلاح؛ علنی و مخفی بودن انفاق است که برای هر یک از اشکال آن دلیلی وجود دارد که به اقتضای شرایط می‌تواند نوع آن تعیین شود. انفاق مخفی دارای این خصوصیت است که آبرو و حیثیت حمایت‌شونده حفظ می‌شود و وی احساس خجالت و سرافکنندگی نمی‌کند و دیگران از نیازمندی او مطلع نمی‌شوند و وی در تدارک این خلاء خواهد بود. در حالی که انفاق علنی نیز دارای این کارکرد است که فرهنگ دگر دوستی و اعانه و کمک به دیگران اشاعه یافته و تبدیل به سنت حسنه‌ای خواهد شد. «انتخاب این روشهای مختلف رعایت شرائط بهتر برای انفاق است، یعنی انفاق کنندگان باید در انفاق خود به هنگام شب یا روز، پنهان یا آشکار، جهات اخلاقی و اجتماعی را در نظر بگیرند، آنجا که انفاق به نیازمندان موجبی برای اظهار ندارد، آن را مخفی سازند تا هم آبروی آنان حفظ شود، و هم خلوص بیشتری در آن باشد، و آنجا که مصالح دیگری مانند تعظیم شعائر و تشویق و ترغیب دیگران در کار است و انفاق جنبه شخصی ندارد، تا هتک احترام کسی شود.» (همان، ج ۱، ۳۶۱)

شکل دیگری که در آیه ۱۳۴ آل عمران بدان تاکید شده، انفاق در تنگدستی و رفاه است. طبیعی است سفارش کمک به دیگران در گشاده دستی و رفاه، امری بدیهی و نیازمند به تعلیل ندارد؛ ولی انفاق در تنگدستی می‌تواند ناظر به این توجیه باشد که تعالیم دینی این امر را می‌خواهد اشاعه دهد که ایجاد روحیه‌ی انسجام و همبستگی مالی بین جامعه متدین مختص متمکنین نیست و همه کسانی که به نحوی بتوانند در این امر مشارکت داشته باشند دعوت شده‌اند. حس مشارکت و همدردی می‌تواند روحیه‌ی تعاون را بوجود آورده و احساس تعلق همگانی را تقویت کند و این امر با پیشرفت سازگاری کاملی دارد.

شکل دیگری از اصلاح بخشی، به ساختارهای تحقق حمایت اجتماعی ناظر است که شایسته است نسبت به آن تدبیر شود. مانند این که برخی از ساختارهای معرفی شده، کارکرد پیشین خود را از دست داده، مانند محلات که مجرای مناسبی برای تبادل حمایت در نظام همسایگی است. لذا تقویت محلات می‌تواند به سازمان بخشی و بهبود روابط کمک کرده و نارسایی‌های احتمالی در این مسیر را جبران نماید.



شکل (۹) ابعاد فرهنگ سازی حمایت اجتماعی

### مرور بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، رابطه بین کنش حمایتی و فرهنگ سازی از میان آموزه های قرآن مورد کاوش قرار گرفت و به استخراج و تحلیل آن دسته از کنش های حمایتی، مصادیق، کارکردها و نوع رابطه هر یک در فرایند فرهنگ سازی تجزیه و تحلیل صورت گرفت و سوالات مطروحه در این زمینه پاسخ داده شد.

از بین مکانیزم های حمایتی به احسان، انفاق، صدقات، خمس و زکات و قرض الحسنه، مصادیق مورد حمایت هر یک از این مکانیزم ها از آیات مربوطه احصا گردید و کارکردهای مترتب بر آن مورد بحث قرار گرفت و به چگونگی فرهنگ سازی آن در ذیل مدل طراحی شده ی محتوای حمایت اجتماعی، ایجاد و توسعه برنامه حمایتی و چگونگی ارتقاء و اصلاح بخشی در این فرایند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



## منابع:

### کتب

#### قرآن

#### نهج البلاغه

۱. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، بی نا، ۱۳۸۲ ش.
۲. تبریزی، منصوره، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۳ ش.
۳. تقی زاده داوری، محمود، مجموعه مقالات اجتماعی، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۸ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵ ش.
۵. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. داورپناه، محمد رضا و سالاری محمود، «نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات، نقش ساختار و کنش در شکل گیری رفتار و الگوی اطلاع یابی»، پژوهش نامه کتابداران و اطلاع رسانی، شماره ۱۱، ۱۳۹۰ ش.
۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
۸. دهشیری، محمد رضا، «رسانه و فرهنگ سازی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸، ۱۳۸۸ ش.
۹. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۶ م.
۱۰. ۱۰. ریاحی، محمد اسماعیل، وردی نیا اکبر علی و پورحسین سیده زینب، «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. طبرسی، الحسن بن الفضل، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری و دیگران، تهران، فراهانی، بی تا.
۱۳. قریشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، بی جا، بی نا، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

17. Elo, Satu & Kyngas, Helvi. The Qualitative Content Analysis Process . Journal of a Advanced Nursing. 2008. Wiley online library. 2007.

18. Mayring, Philip . In : A Companion To Qualitative Research . Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: Sage.2003.

مطالعات اجتماعی و قرآنی  
مؤسسه پژوهش و نشر

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

## Resources:

1. Quran.
2. Nahjul-Balagha.
3. Babaei, Ahmad Ali (2003), "Selected Tafsir Nemunch", Tehran: Bina, 13th edition.
4. Cohen, Bruce (1995), "An Introduction to Sociology", translated by Mohsen Salasi, Bija: Bi Na.
5. Davarpanah, Mohammad Reza and Salari Mahmoud (2011), "Social Theory and the Environment of Information Use, the Role of Structure and Action in the Formation of Information Seeking Behavior and Patterns", Research Journal of Librarians and Information, No. 11.
6. Dehshiri, Mohammad Reza (2009), "Media and Culture-Building", Quarterly Journal of Cultural Research, No. 8.
7. Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad Hossein (1404 G), "Anwar Derakhshan", Tehran: Lotfi Bookstore, first edition.
8. Javadi Amoli, Abdullah (2006), "Tafsir Tasnim", Qom: Publication, Israa, first edition.
9. Makarem Shirazi, Nasser (1995), " Tafsir Nemunch", Tehran: Daral-e-Kutub al-Islamiyya, 10th edition.
10. Qureshi, Seyyed Ali Akbar (1998), "Tafsir Ahsan al-Hadith", Tehran: Ba'ath Foundation, second edition.
11. Ragheb Isfahani, Hussein (1996), "Mufradat al-Quran", Damascus: Dara al-Qalm, second edition.
12. Riahi, Mohammad Esmail, Verdinia Akbar Ali and Pourhossein Seyedeh Zebinab (2010), "Investigating the Relationship Between Social Support and Mental Health", Quarterly Journal of Social Welfare, No. 39.
13. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1984), " Tafsir al-Mizan", translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office, fifth edition.
14. Tabarsi, Al-Hasan ibn Al-Fadl (b.a.), " Tafsir Majma' al-Bayan", translated by Hossein Nouri and others, Tehran: Farahani, first edition.
15. Tabrizi, Mansoura, "Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approaches," Quarterly Journal of Social Sciences, No. 64, Spring 2014.
16. Taghizadeh Davari, Mahmoud (2009), "Collection of Social Articles", Qom: Shi' ah Studies, first edition.